

سیر تحول کالبدی، عملکردی و ادراکی فضا در گونه‌شناسی مساجد تاریخی قزوین (دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار)

حامد حیاتی* نیک‌نیک خواهان**

چکیده

تاریخ پیدایش مساجد مترادف است با تاریخ ظهور اسلام، و گسترش آن، تابع توسعه و نفوذ این بنای مقدس در جوامع مختلف بوده است. بی‌شک در طول تاریخ ترکیب مساجد با فنون، فرهنگ‌ها و نگرش‌های غنی جوامع گوناگون، معماری آن را به عنوان نماد معماری اسلامی رقم می‌زند، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد تحول در سایر بناهای اسلامی به تبعیت از تطور معماری مساجد آغاز شده است. در اینجا پرسش اصلی این است که آیا در پژوهش حاضر، با توجه به اهمیت معماری مساجد شهر تاریخی قزوین چه به لحاظ ویژگی‌های کالبدی و چه به لحاظ دگردیسی‌های تاریخی، می‌توان به قواعد و چهارچوب‌هایی دست یافت که منتج به سیر تحول گونه‌های فضایی مساجد این شهر از منظر کالبدی، عملکردی و ادراکی شود؟ براین اساس، مطالعه حاضر عواملی چون فهم چیرستی و چگونگی ساخت و توجه به مفاهیم اخذشده در نمونه‌های مورد مطالعه در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار شهر تاریخی قزوین را نیز در بر می‌گیرد. روش پژوهش کیفی است که به کمک روش‌های تفسیری - تاریخی نگاشته و اطلاعات آن به صورت میدانی و اسنادی گردآوری شده است. در واقع، این پژوهش به بازخوانی سیر تحول در یازده گونه برقرار و ارزشمند در دوره‌های مذکور در شهر قزوین می‌پردازد و چگونگی سازماندهی فضایی و نحوه ارتباط فضای نیایشی و شیوه‌های تعریف فضای باز و بسته را در الگوی فضایی این مساجد از منظر کالبدی، عملکردی و ادراکی مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد سیر تحول مساجد مورد پژوهش در دوره‌های فوق در شهر تاریخی قزوین بیان‌کننده اشتراکات و تمایزات مختلف و دگرسانی در چگونگی سازماندهی فضایی و نحوه ارتباط فضای نیایشی و شیوه‌های تعریف فضای باز و بسته در الگوی فضایی این مساجد بوده و در هر دوره قابل‌شهود است.

کلیدواژه‌ها: گونه‌شناسی، سازماندهی فضا، تحول فضایی، نظام کالبدی، مسجد، قزوین

مقدمه

معماری، هنری برای نظم بخشیدن به فضا است، اما زمانی که به کمک تکنیک‌های مختلف، هدف اصلی خود را که همان قرار دادن انسان در محضر پرودگار است، از طریق تقدس بخشیدن به فضایی که می‌سازد به ثمر می‌رساند، معماری قدسی نام می‌گیرد. در الگوی شهر اسلامی، این معماری پیش از هر چیز در وجود مسجد متجلی گشته که به گفته سید حسین نصر خود تجسم بازآفرینی نظم و آرامش طبیعت است (نصر، ۱۳۹۴: ۴۱). تاریخ تمدن ایران نشان می‌دهد که توجه به هویت اسلامی، بیش از هر عامل دیگری بر شکل‌گیری مساجد تأثیرگذار است، به طوری که مساجد یک شهر، تنها مکان‌های فیزیکی نیستند که مردم در آنجا حضور پیدا کنند و از مکان‌های مجاور متمایز شوند، بلکه بیش از این مفهوم از شهر برآمده و نشانه‌های کالبدی، طرح معماری و فعالیت‌ها به عنوان شناسه‌های مهم و تعریف‌کننده آن هستند که خود عاملی جهت شکل‌گیری حس وحدت و یکپارچگی در مسجد است؛ شاهکارهایی که همیشه و همه‌جا به یک شکل نیستند و به‌ویژه در مساجد تاریخی شاهد چهار دست‌بندی متفاوت با نام‌های شبستانی، چهارطاقی، ایوانی و چهارایوانی از آن هستیم (حسینی، ۱۳۹۸: ۳۸۰). همچنین، باید بر این مهم اذعان داشت که در دوره‌های مختلف تاریخی، روند تغییر و گاه تکمیل معماری مساجد از چهارطاقی به تک‌ایوانی، شبستانی، دوایوانه و حتی سه‌ایوانه را می‌بینیم که انقطاعی در تداوم آن وجود ندارد و در اصل از همان آغاز، با آموزش قرآن و احکام اسلامی در مساجد شکل گرفته است (هیلن برند، ۱۳۹۳: ۱۷۳)، اما آنچه در این پژوهش خود را نمایان می‌کند، شناخت معماری مسجد، تحلیل نقشه‌های موجود و تلاش برای فهم مسیر فرایند طراحی مسجد و سیاست‌های راهبردی طراحان در مواجهه با تغییرهای پیش روی آن است (توکلیان، ۱۳۹۴: ۹۰). در راستای این پژوهش که در باب سیر تحول و شناخت گونه‌های مختلف مساجد شهر قزوین از دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار است، محقق جهت رسیدن به شناخت درست، قصد آن دارد تا با کنکاش در الگوهای پیشین مساجد این شهر، دگرسانی نمونه‌های فوق را در دوره‌های مختلف تاریخی مورد بررسی قرار دهد و پیشرفت شیوه‌های معماری، تغییر شرایط فرهنگی، به‌ویژه در دوره‌های صفوی و قاجار، و همچنین تغییرات کالبدی و فضایی را در مساجد مورد پژوهش در شهر تاریخی قزوین مورد تبیین و تدوین قرار دهد. بر این اساس، هدف اصلی در این پژوهش، بررسی ساختار و سیر تحول گونه‌های مساجد تاریخی در شهر

قزوین است. گفتنی است که گونه‌شناسی به کار گرفته شده شامل مواردی از جمله نظام کالبدی، سازماندهی فضایی، ارتباطات کالبدی، نحوه ارتباط فضای نیایشی و شیوه‌های تعریف فضا (باز و بسته) بوده و معرفی گونه‌های ذکر شده در پژوهش برآمده از این تحلیل و شکل فضایی آن‌ها است. با توجه به این موارد، هدف فرعی پژوهش را عواملی چون فهم چیستی و چگونگی ساخت مسجد با توجه به مفاهیم اخذ شده از قرآن و احادیث در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار شهر تاریخی قزوین در بر می‌گیرد. همچنین، شناخت ابعاد مختلف مبانی نظری مساجد و ساختار آن در کنار بررسی تحولات سازماندهی فضایی مساجد تاریخی این شهر در دوره‌های ذکر شده و درک جدید و ساختارمند از گونه‌های مختلف مساجد آن با دست‌بندی منسجم و مرتب، با توجه به رویکرد تفسیری، از جمله ضروریات انجام این پژوهش است. در واقع، محقق در این پژوهش به دنبال پاسخی مناسب برای این سؤال‌ها است:

۱. نحوه ارتباط و تعریف فضا در گونه‌های مساجد تاریخی قزوین در دوره اسلامی، سلجوقی، صفوی و قاجار بر چه اساس بوده است؟
۲. چگونه می‌توان سیر تحولات و گونه‌بندی فضایی (باز و بسته) و نحوه سازماندهی در مساجد تاریخی شهر قزوین را از یکدیگر متمایز نمود؟

روش پژوهش

روش پژوهش در مطالعه پیش رو کیفی است که با روش‌های تفسیری - تاریخی نگاشته می‌شود و گردآوری اطلاعات آن به صورت میدانی و اسنادی (کتابخانه‌ای) است. در واقع، این پژوهش به بازخوانی سیر تحول در گونه‌های مختلف مساجد در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار شهر تاریخی قزوین می‌پردازد و چگونگی سازماندهی فضایی و نحوه ارتباط فضای نیایشی و شیوه‌های تعریف فضا (باز و بسته) در الگوی فضایی این مساجد را از منظر کالبدی، عملکردی و ادراکی مورد بررسی قرار می‌دهد. به این ترتیب، محقق در ابتدا با شناخت فضاها و مطالعه رفتارها و فعالیت‌های جاری در آن‌ها، ابعاد متفاوت این گونه‌های فضایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و مؤلفه‌های شاخص در شکل‌گیری این عنصر را کنکاش می‌کند. در گام بعدی، با معرفی یازده نمونه هدفمند در مساجد تاریخی قزوین در دوره‌های ذکر شده به گونه‌شناسی کلی و تبیین سیر تحول الگوهای به کار گرفته شده از لحاظ تحدید دامنه زمانی و مکانی پرداخته و در آخر با استخراج گونه‌های متفاوت فضایی در مساجد مورد مطالعه

تحت عنوان "گونه‌شناسی مسجدهای شیراز از دوره صفاریان تا قاجار" به گونه‌شناسی مساجد بی‌گنبد این شهر به‌عنوان یک گونه مستقل پرداخت. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که دو رویکرد کلی حفظ اصالت مسجد به‌عنوان الگوی مسجد پیامبر، و میل به طبیعت‌گرایی اهالی این شهر با الهام از بهشت برین در تمامی نمونه‌های موردبررسی رعایت شده است. طاهری و همکارانش (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی دیگر به "گونه‌شناسی ایوان‌محور مسجدهای تاریخی ایران" پرداختند. این پژوهش وجوه مختلف ایوان ابعاد متنوع و پیچیده آن را روشن‌تر نمود و ناظر بر گونه‌شناسی مسجدهای تاریخی ایران بر مبنای ایوان آن‌ها شد. بر مبنای یافته‌ها، مسجدهای ایوان‌دار ایران در سیزده دسته جای می‌گیرند که گونه مسجدی که در کالبد خود فقط یک ایوان در ضلع قبله دارد، با ۱۷۷ نمونه، رتبه اول پرشماری را دارد. همچنین، ایوان‌ها گاه در مقام فضای اصلی به کار می‌روند و گاه فضایی ارتباطی هستند که شبستان مسجد را به صحن مسجد متصل می‌کنند. زارعی موبینی و همکارانش (۱۳۹۷) نیز در همان سال در پژوهشی دیگر با عنوان "معماری مسجد، کتیبه‌نگاری و آرایه‌های دوره قاجار با تأکید بر مسجدالنبی قزوین" بیان می‌کنند که مسجدالتجار قزوین به‌عنوان یکی از مساجد سلطانی در موقعیت و بافت ویژه‌ای ساخته شده، به‌گونه‌ای که با داشتن ورودی‌های سه‌گانه، بخش‌های مختلف بازار را به هم پیوند می‌دهد. یکی از موارد بحث‌برانگیز درباره مسجدالنبی قزوین، تاریخ دقیق بنای مسجد و محتوای کتیبه‌های آن است. سبک معماری، تزیینات و کتیبه‌های تاریخ‌دار موجود در بنا، تعلق این مسجد را به دوره فتحعلی‌شاه قاجار تأیید می‌کنند و به نظر می‌رسد هدف خاصی در انتخاب آیات و احادیث برای کتیبه‌نگاری وجود داشته است. فریدونی (۱۳۹۸) نیز در کتاب خود با نام "جایگاه مسجد در فقه امامیه" به بررسی ماهیت مسجد در میان مسلمانان و شناسایی شمه‌ای از آثار و کارکردهای مثبت این پدیده و نیز تأثیر آن در گسترش دین اسلام از دیدگاه امامیه می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که در عصر حاضر نیز مساجد پتانسیل ویژه‌ای برای مرکزیت قرار گرفتن در جوامع اسلامی را دارند و در فقه امامیه نیز تأکید فراوانی در احترام به مسجد و رعایت احکام خاص مساجد از قبیل وجوب، مستحب، مکروه و حرمت شده است. این پدیده به دلیل زیرساخت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در رفتار و عمل انسان برای ارضای روح کنجکاو او خواهد بود که باید بیش از پیش به آن توجه کرد و در گسترش آن کوشا بود. به‌دنبال آن، عسگری و همکارانش (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه"

به دست‌بندی و تحلیل داده‌ها و چگونگی تغییر و تحول آن‌ها در هر دوره تاریخی در شهر قزوین می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

محقق از میان پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه گونه‌ها و سیر تحول مساجد تاریخی ایران تلاش نمود تا در میان مطالب گردآوری شده از برداشت دیگر محققان و روش برداشت آنان از اظهار نظر کارشناسان امر و اندیشمندان اسلامی در این حوزه استفاده کند و با بررسی راهکارهای ارائه‌شده در ارتقاء کمی و کیفی ساختارهای معماری ایرانی - اسلامی در مسیر کندوکاو خود از مسجد در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار دریافتی جدید ارائه نماید. در این راستا، مهدوی‌نژاد و همکارانش (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر» به بازشناسی گرایش‌های طراحی این بنا در دوران معاصر به‌طور خاص پرداختند و با شناسایی شاخص‌های این تحولات، به طبقه‌بندی آن‌ها مبادرت ورزیدند. نتایج حاصل نشان می‌دهد در جامعه اسلامی، مساجدی که از لحاظ کاربری، معنای مسجد را در کالبدی جدید همچون مسجد جامع معرفی کرده‌اند، براساس گونه‌های فرمی ممکن است در هر کدام از چهار دسته شبستانی، چهارطاقی، ایوانی و چهارایوانی قرار گیرند و این مورد، با وسعت و کاربری مسجد ارتباطی نداشته است. در همان سال، نقره‌کار و همکارانش (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی دیگر با نام "تحلیلی بر سیر تحول مفاهیم و الگوی کالبدی مساجد در دوره‌های چهارگانه معماری ایرانی" با بهره‌گیری از مفاهیم پایه عرفان اسلامی، از قبیل تشبیه، تنزیه، جمال و جلال، به گونه‌شناسی مفهومی مساجد و شاخص‌های هر گونه پرداختند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که از بُعد تشبیه و تنزیه، مساجد دوره نخست بیشتر تنزیه‌ی و کارکردی بوده‌اند و در دوره‌های بعد، با رشد خیال‌انگیزی و تشبیه‌ی، مساجد به سمت نشانه‌گرایی و تزیین حرکت کرده‌اند. در عین حال، تاحدودی مساجد اولیه را به‌خاطر سادگی بیش‌ازحد، جلالی‌تر و مساجد آذری و صفوی خارج از حد تعادل، حالتی افراطی در جمال و تشبیه دارند. پارسیان خمیری و همکارانش (۱۳۹۶) در پژوهشی دیگر با عنوان "گونه‌شناسی مساجد بلوچستان ایران، از دوره قاجار تا معاصر" این مهم را مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که گونه صحن، رواق و شبستان در حال حاضر پرکاربردترین الگوی ساخت مساجد است و گونه دوشبستانی رو به فراموشی نهاده و استفاده از الگوی صحن و شبستان همچنان الگوی مساجد ساده و کوچک در نقاط کم‌تراکم جمعیتی است. در همان سال، نجفی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود

ساختار و تزیینات مسجد مدرسه حیدریه در دوره سلجوقی" دریافتند که تزیینات مهم‌ترین عنصر وحدت‌بخش در طراحی اسلامی محسوب می‌شده است و برای مسلمانان در بیان عبارات‌های مقدس، هیچ خطی مناسب‌تر از خط کوفی و هیچ تزیینی مقدم‌تر از نقوش گیاهی و هندسی در خدمت مقاصد مقدس و تزیینی مسلمانان نبوده است که در مسجد مدرسه حیدریه این اصل با گچ‌بری‌های زیبای دوره سلجوقی به خوبی خود را نمایان کرده است. در همین رابطه ریاحی (۱۳۹۹) در کتابی با عنوان "سیر تاریخی در هنر و معماری مساجد ایران و جهان" به معرفی و بازنمایی هنر و معماری تزیینی در ابنیه اسلامی را در کنار پیشینه تاریخی معماری و هنری مساجد ایران و جهان مورد کنکاش قرار داده است. نتایج حاصل از این کتاب حاکی از آن است که هنر اسلامی تبلور حسن زیبایی بشر و یکی از مظاهر آفرینش بوده و هنر در مساجد همیشه به آبادی و زیبایی بنا کمک کرده و بدون شک مساجد تجلی‌گاه‌های اصلی هنر اسلامی هستند که تأثیر شگرفی در وجه زیبایی‌شناختی شهرها و روستاهای اسلامی داشته‌اند. حیاتی و همکارانش (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تحول سازماندهی فضایی در معماری مدارس دوره اسلامی (مطالعه تطبیقی دوره‌های سلجوقی، تیموری، صفوی و قاجار)" دریافتند که مدارس در هر دوره تاریخی، خصوصیات کالبدی ویژه‌ای پیدا کردند و همین امر سبب ایجاد تحولات فضایی، از جمله فضای اقامتی، آموزشی و نیایشی مطلوب در جهت نیازهای طلاب بوده است. در نتیجه با توجه به پژوهش و بررسی نمونه‌های موردی، کالبد مدارس سنتی از لحاظ ویژگی‌های اجزای اصلی آن و سازماندهی فضایی، تحولات تکاملی را طی دوره‌های سلجوقی، تیموری، صفوی و قاجار طی کرده‌اند. حیدری و همکارانش (۱۴۰۱) در پژوهشی دیگر با عنوان "مقایسه تطبیقی مساجد سبک‌های مختلف معماری ایرانی - اسلامی بر مبنای مفهوم سلسله‌مراتب" سعی بر آن داشت تا با بررسی سبک‌های مختلف مساجد در تاریخ معماری ایران، نمونه‌های مختلف این مفهوم را مورد بررسی قرار دهد. نتیجه پژوهش حاکی از آن بود که کار در سبک خراسانی هر سه بُعد سلسله‌مراتب (شکل، اندازه و مکان) در یک سطح ابتدایی در مساجد نمود داشته است. در سبک رازی، سلسله‌مراتب مکان مورد توجه قرار گرفت، اما با گذشت زمان، این بُعد در سبک آذری و اصفهانی رو به تکامل نهاد. در سبک آذری سلسله‌مراتب اندازه بسیار مورد توجه قرار گرفت و در نهایت در سبک اصفهانی، سلسله‌مراتب شکل بیشترین نمودپذیری را در مساجد داشته است. در همان

سال، حسین‌بانک (۱۴۰۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی مسجد با تأکید بر الگوهای رفتاری" به بررسی دو نمونه معاصر (مسجد ولیعصر) و سنتی (مسجد امام خمینی) پرداخت و پس از بررسی نمونه‌های موردی و تحلیل‌های کیفی و کمی‌سازی داده‌ها، عناصر مؤثر در الگوهای رفتاری در مساجد مورد بررسی به این نتایج رسید که با توجه به مکانیسم‌ها و نقش‌های رفتاری و تنوع کارکردی فعالیتی در مکان‌های مذهبی که در قرارگاه‌های برگزیده، مورد مشاهده، مطالعه و تحلیل قرار گرفتند، اهمیت هر یک از این مؤلفه‌ها در طول زمان در ساختار اجتماعی - رفتاری محیط‌های مذهبی تغییری نکرده است؛ به طوری که مؤلفه‌هایی مانند هم‌ساختی عناصر کالبدی با قرارگاه رفتاری، همگی در طراحی مسجد در ترازوی یکسان قرار دارند.

در میان مطالعات انجام‌شده، جای خالی پژوهشی که سیر تحولات شکل‌گیری کالبد و سازماندهی فضایی مساجد قزوین را در دوره‌های مختلف به‌طور پیوسته نشان دهد نمایان است. در پژوهش حاضر، دگرگونی اجزا و عناصر کالبدی مساجد، همچنین تحولات سازماندهی مساجد اسلامی نظیر ایوان، ایوانچه، ورودی، جلوخان، هشتی و ... در چهار دوره اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار بررسی خواهد شد و در نهایت جنبه نوآورانه کالبدی و فضایی آن ارائه می‌شود.

مبانی نظری

سیر تحول معماری مساجد در اسلام

ساخت مسجدی که از منظر حقیقت اسلام واجد ارزش باشد، کاری سهل و ممتنع است. با این وجود، اهتمام به دستیابی فهمی عمیق از مسجد و کارکرد آن برای جامعه اسلامی دارای اهمیت است. آنچه باید مدنظر قرار گیرد، رسیدن به شناخت خداوند از رهگذر قرآن و سنت و به کارگیری همین شناخت در امر معماری مسجد است (فهندژ سعدی، ۱۳۹۹: ۳). معمار مسلمان همواره می‌کوشد در قالب فرمی متعادل در عین تنوع و پویایی، دورنمایی از مبانی فکری و اعتقادی را به تصویر بکشد، بستر ادراک و تأویل مفاهیم فرازمینی و آنچه را که نیاز معنوی انسان است در ساختار فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی فراهم آورد و انسان مطرود و بیگانه را به منزلگه مقصود برساند (مهدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ب: ۸۳). این در حالی است که اسلام به‌عنوان دینی تعالی‌بخش و فراهم‌آورنده کمال انسانی خود را مطرح نمود. بنابراین، آنچه از هنر و معماری متصف به آن بروز و ظهور

تلاشی برای دسته‌بندی کردن و نظم دادن به گستره‌هایی از اشکال و اجزای طراحی شده مشابه، اما متغیر است (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). معماریان و همکارانش بر این باورند که معمار به‌وسیله مفهوم گونه و عمل براساس آن، پیوند میان حال و گذشته را خلق می‌کند و این پیوند به زنجیری از حلقه‌های به‌هم‌پیوسته که در طول تاریخ تکامل یافته، تبدیل شده است. آنچه در زمان حال ساخته می‌شود، یک حلقه از آن زنجیر است. برای عمل صحیح و مناسب در زمان حال باید حلقه‌های دیگر زنجیرها را خواند. نقطه آغازین این زنجیر «گونه پایه» نام دارد (معماریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۵). معیارهای شناخت گونه، یعنی مبنایی که گونه‌شناسی براساس آن انجام می‌گیرد، می‌تواند بسیار گوناگون و متنوع باشد. شناسایی و توصیف کیفیات و معیارهای خاص، این امکان را به محقق می‌دهد تا در مقیاس‌های مختلف الگویی از وابستگی سازماندهی در فضا یا نظام کالبدی در محیط را تعریف نماید (Deming et al, 2015: 133). باین حساب، می‌توان نتیجه گرفت که (۱) گونه‌شناسی نوعی سازماندهی در فضاست که می‌تواند مبتنی بر تقدم تاریخی باشد؛ (۲) گونه‌شناسی می‌تواند از جنبه‌های مختلف مورد تحلیل و تفسیر قرار گیرد؛ (۳) میزانی از ارتباط و تشابه در شناسایی گونه، آن چیزی است که در مسیر تحول موضوع بدان برخورد خواهیم کرد؛ (۴) توصیف خلاصه‌شده از موضوعات مورد مطالعه می‌تواند شیوه‌ای بسیار کارآمد جهت شناسایی درست گونه محسوب شود (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). این پژوهش تلاش دارد تا با استناد به موارد فوق، به تحلیل و بررسی سیر تحول فضایی (باز و بسته) از منظر کالبدی، کارکردی و رفتاری در مساجد چهار دوره اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار در شهر تاریخی قزوین بپردازد و تمایز در الگوهای مساجد فوق را مورد تبیین قرار دهد. لذا قبل از آنکه معماری مساجد در دوره‌های مورد مطالعه را تحلیل کنیم، لازم است ابتدا به ساکن شناختی کلی درباره گونه‌شناسی نظام کالبدی و معماری فضاهای باز و بسته در مساجد ایرانی (خاصه شهر قزوین) کسب نماییم.

گونه شناسی نظام کالبدی در مساجد: در رابطه با گونه‌شناسی در نظام کالبدی، نظریات متعددی وجود دارد. از لحاظ اهمیت موضوع گونه‌یابی، شاید بتوان آن را در جوار دو موضوع مهم «فرم یا فضا» و «شکل» قرار داد (معماریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). تمامی مطالعات انجام‌شده در دنیای معماری، گونه کالبدی را به معنای نماینده گروهی از اندام‌های معماری با جنبه کالبدی (فضاهای معماری، سازه‌ها، تزیینات، مصالح و ...) معرفی می‌کند که با یک مکانیزم مشخص، در

داشت، می‌بایست دربرگیرنده این مفاهیم می‌بود (مهدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸ الف: ۵۴). براین اساس، نفوذ معنوی و همه‌جانبه اسلام موجب شد تا شکل، نوع و کارکرد مساجد، تحول و تنوع پیدا کند و معماری و تجلی حقیقت در آن در ابعاد متنوع و متکثر یافت شود. شکل و برگزاری نماز در مساجد طی قرن‌ها کمابیش دارای الگوی پایداری بوده است، در حالی که الگوهای مربوط به آن بسیار دگرگون شده‌اند و این دگرگونی موجب شده که فضاهای مربوط به آن، به شکل بسیار متفاوتی نسبت به گذشته ساخته شود. علاوه بر پایداری و تداوم چنان که اگر فعالیت عبادی نماز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های شکل‌دهنده به فضای معماری مسجد مورد توجه قرار گیرد، از دیدگاه معماری می‌توان این خصیصه را از ویژگی‌های مهم کارکردی مساجد دانست. سنت اسلامی فقط از تأثیر قطعی یک بنا بر تحول مسجد پشتیبانی می‌کند و آن بنا چیزی جز خانه پیامبر (ص) نیست (هیلن برنر، ۱۳۹۳: ۳۳). غالباً طراحی و احداث مساجد جامع، از نوعی معماری عمومی که آثار آن در مراکز حکومتی و شهرهای بزرگ، براساس خصوصیات عام فرهنگی و هنری حکومتی شکل می‌گرفت و تحول و تکامل می‌یافت، تبعیت می‌کرد. از مجموع نوشتار فوق چنین دریافت می‌شود که مسجد ابتدا یک بنا نیست، بلکه در فضایی خلاصه می‌شود که به عبادت اختصاص داده شده است (همان: ۳۵) و با توجه به تغییر و تحولات ایجادشده در آن‌ها در طول تاریخ، معماران اسلامی برای عبادت خداوند مساجد را برطبق یک طرح متعالی ساخته‌اند (حمزه‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۰).

معیارهای گونه‌شناختی پژوهش

گونه و گونه‌شناسی: واژه «تیپولوژی»^۱ یا «گونه‌شناسی» در فرهنگ غربی از ریشه «تایپ»^۲ گرفته شده است و در زبان پارسی واژه «گونه» را می‌توان به گروه خاصی با یک ویژگی یا علامت مشخص نسبت داد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴). گونه واقعیتی حداقل سه‌بعدی در ذهن معمار است که نمی‌تواند فقط در پلان یا نما خلاصه شود. از سویی، شباهت ظاهری حتی در سه‌بعد، به معنای فهم معنایی گونه نیست، بلکه حضور باشندگان در ادراک مؤثر خواهد بود (معماریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴). در این رابطه نظریه پردازان متعددی به مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری پرداخته‌اند. به عقیده آنان در ابتدایی‌ترین لایه‌های گونه‌شناسی، تلاش بر شناخت، دسته‌بندی و طبقه‌بندی موضوعات مورد مطالعه است که برحسب ویژگی‌های مشترک که معمولاً به ویژگی‌های شکلی اثر معطوف است، انجام می‌شود. گونه‌شناسی درواقع

بازجمع‌آوری و دسته‌بندی به آن دست یافته‌اند. مبنای این سازماندهی براساس عناصر اقلیمی مشترک، شکل‌های هندسی مشترک، کد ژنتیک^۳ مشترک و هرچیزی است که بتواند به گونه معنای نمایندگی بدهد تا از راه آن بتوان دیگر اعضای گروه را بازشناخت (معماریان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶). در تعریفی کلی‌تر، گونه کالبدی یک شمای چندبُعدی است که شامل اندام‌های کالبدی و طرح‌واره‌ها است که می‌توان با استناد به آن، انواع بررسی نمونه‌ها را در دو گروه ارزیابی نمود: اول، بررسی تک‌اندام‌ها و ویژگی‌هایشان و دوم، سازماندهی اندام‌ها در یک شاکله کلی (معماریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴). تحلیل فاکتورهای گونه‌شناسی در نظام کالبدی به‌عنوان مقدمه‌ای بر آن، مهم و درخور توجه است. در ادامه، این پژوهش سعی دارد معیارهایی بر این فاکتورها در مساجد دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار در شهر تاریخی قزوین ارائه دهد. لذا نگرش تاریخی - تکاملی در معماری این بنا در نمونه‌های فوق با وارد کردن زنجیره زمانی به گونه‌شناسی کالبدی به شکلی متفاوت و جامع‌تر در برابر فضاهای باز و بسته مساجد شهر قزوین موضع‌گیری خواهد کرد.

سرآغاز مسجد و جایگاه فضای باز و بسته در آن: از دیدگاه کالبدی، اولین مسجدی که برپا شد، مسجد پیامبر (ص) بود. مسجد رسول گرامی اسلام، آینه تمام‌نمای آیین اسلام بود. سادگی، برابری، برادری و نفی هرگونه تشخص و تفاخر از ویژگی‌های بارز این مسجد است؛ آن‌چنان که هیچ کنجی از مسجد بر کنجی دیگر و هیچ نمازگزاری را بر نمازگزار دیگر رجحان و سروری نبوده است. بنابر گفته پیرنیا این روش به دلیل محدودیت و نبود امکانات اتخاذ نشد، بلکه روشی بود که پیامبر (ص) خود برگزیدند. ویژگی‌های کالبدی این مسجد را می‌توان چنین برشمرد: یک چهاردیواری که هیچ‌گونه سقفی نداشته است، به‌گونه‌ای که فضای باز محصور تمامی سطح باز مسجد را شامل می‌شد. به این ترتیب و بنابر اقوال تاریخی، در ابتدا مسجد پیامبر (ص) دارای هیچ‌گونه فضای بسته‌ای نبود، اما با سپری شدن ایام و به اصرار یاران، به دلایل اقلیمی، پیامبر (ص) با حفظ اصالت بر فضای باز اجازه ساخت سایه‌اندازی در بخشی از مسجد را می‌دهند (پیرنیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵). امروزه فضاهای عمده مساجد را با

دیدگاهی کلی می‌توان در دو بخش فضای باز و بسته تقسیم نمود. فضای باز مسجد که معمولاً حیاط نامیده می‌شود، در اسلام و بازتاب آن در تاریخ معماری مسجد، عنصری انکارناپذیر است. البته دسته‌بندی‌های موجود برای مسجد، اغلب از فضای بسته آن شروع می‌شود. چنان‌که در یکی از آخرین آن‌ها مساجد شبستانی، مساجد گنبدخانه‌ای و مساجد ایوانی به‌عنوان گونه‌های بنیادین هندسی در مساجد ایران نام برده می‌شود و به‌وضوح از نقش محوری بخش‌های مسقف مسجد سخن می‌گویند، اما مهم آن است که فضای باز می‌تواند سهل‌الوصول‌ترین ذخیره برای گسترش فضای بسته تلقی شود (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). بر این اساس، می‌توان معماری همه دوره‌های منتخب را از منظر نوآفرینی فضایی ارزیابی نمود که اوج تکامل و گشایش فضایی را در دوره قاجار می‌بیند و با جسارتی تحسین‌برانگیز نوآوری‌هایی از منظر فضا (باز و بسته) خلق می‌نماید. وجه فضایی دیگر مساجد از زاویه فضایی گنبدخانه است و هدف این وجه، تکامل در سیلان و گشایش فضایی آن، همچنین فضاهای مجاور گنبدخانه، یعنی ایوان و شبستان‌ها است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۶). در ادامه و پس از معرفی گونه‌های موردپژوهش، به تحلیل و تبیین سیر تحول این دو فضا در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار شهر تاریخی قزوین می‌پردازیم.

بررسی مساجد تاریخی قزوین در دوره‌های مورد مطالعه (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار)

برای پیشبرد این پژوهش، به ارجاع به نمونه‌ها نیاز است تا قابلیت تعمیم پرسش‌های پژوهش تضمین شود و علت انتخاب مساجد منتخب از جوانب بیشتری مورد پژوهش قرار گیرد و تفاوت آن‌ها در دوره‌های موجود به شکلی واضح‌تر تبیین شود. دیرینگی، مصون ماندن از آسیب‌های محیطی، انسانی و کالبدی، مساحت بایسته و اجماع کلی جهت مذاقه در آن‌ها از منظر تناسبات کالبدی و پیشینه مشخص که با گردآوری اطلاعات و بررسی‌های میدانی به حد قابل قبولی نزدیک شود از مباحث موردنظر محقق در انتخاب نمونه‌های مطالعاتی چهار دوره مذکور (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) در شهر تاریخی قزوین بوده است. جدول شماره ۱ به معرفی، دوره ساخت و ساختار کالبدی هریک از آن‌ها می‌پردازد.

جدول ۱. مساجد موردپژوهش در شهر قزوین در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار

مساجد دوره	جامع کبیر اوایل اسلام	حیدریه سلجوقی	سنجیده سلجوقی	پنجه علی صفوی	مسجد انبی قاجاری	خواجه شهدا قاجاری	راه چمان قاجاریه	مسجد سبز قاجاریه	شهد ثالث قاجاریه	محمدیه قاجاریه	احمدیه قاجاریه
ساختار کالبدی	چهار ایوانی	کوشکی	کوشکی	شبستانی	چهار ایوانی	شبستانی	شبستانی	شبستانی	شبستانی	شبستانی	شبستانی

دوره اوایل اسلام

معماری اسلامی، با مساجد که مرکز ثقل بنای شهرها در دوره اسلامی و دارای عملکردهای معماری اسلامی هستند آغاز می‌شود. مساجد اسلامی ویژگی خود را بیشتر از طریق غنی کردن گنبدخانه و ایوان، تالار باز (طاق پوشی با نمای مستطیل‌دار) به دست می‌آورند که گنبدخانه آن از دوره ساسانی نشئت می‌گیرد (هیلن برند، ۱۳۹۳: ۱۷۱). در این دوره (اوایل اسلام) مساجد جامع نسبت به مساجد دیگر اهمیت بیشتری دارند (زارعی، ۱۳۹۷: ۱۹۱)، چراکه در زمان خلفا تمامی مساجد ساخته شده با نام جامع شناخته می‌شدند و هدف اصلی و کارکرد عمده آن‌ها، عینیت بخشیدن وحدت در جامعه اسلامی بود (همان: ۱۹۲). از نمونه این مساجد در شهر قزوین می‌توان به مورد ذیل اشاره کرد:

مسجد جامع کبیر (عتیق): موقعیت آن خیابان سپه، از قرون اولیه اسلام تا عصر حاضر است و بانی آن را هارون الرشید، خلیفه عباسی، می‌دانند. قدیمی‌ترین بخش از این به سال ۱۹۲ ه.ق. بازمی‌گردد و مساحتی بالغ بر ۱۲۵۰۰ مترمربع را در بر می‌گیرد. این مسجد یکی از کهن‌ترین مساجد چهارایوانی موجود در کشور است که آثار معماری ادوار مختلف را در خود جای داده و تزیینات آن شامل کاشی‌کاری، گچ‌بری، حجاری، رسمی‌بندی، تزیینات چوبی و آرسی است (محمدزاده، ۱۳۸۵: ۲۹۲).

دوره سلجوقی

کانون توجه در مساجدی که دوره سلجوقی گسترش پیدا کرده‌اند عبارت از گنبدخانه‌ای که محراب را در بر می‌گیرد و همچنین ایوان جلوی آن است (هیلن برند، ۱۳۹۳: ۱۷۲). ویژگی معماری این دوره را به‌اختصار می‌توان موقر، نیرومند و دارای ساختاری زیبا توصیف نمود. طرح مساجد این دوره اکثراً چهارایوانی با طاق‌نماهای دیواری بوده و ایجاد گنبدهای عظیم روی گوشواره در مساجد از دیگر ویژگی‌های مساجد این دوره است (فینستر، ۱۳۹۲: ۳۲۲). باید بر این نکته اذعان داشت که در این دوره، مساجد یکی از ابزارهای مهم حکومت و مردم برای پیشبرد اهداف بوده‌اند و مهم‌ترین کارکرد تبلیغی و رسانه‌ای به شمار می‌آمده‌اند؛ فضایی عمومی که در حیات نقشی سیاسی - اجتماعی زنده و ملموس را بر عهده داشت (عسگری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸). از بناهای به‌جامانده از مساجد در دوره سلجوقی شهر قزوین می‌توان به دو مورد اشاره نمود:

مسجد حیدریه: موقعیت این مسجد در خیابان بلاغی است و تاریخ احداث آن به سال ۵۱۳ ه.ق. برمی‌گردد و روی شالوده‌ای کهن با مساحت ۲۵۰ مترمربع قرار دارد. از ویژگی‌های

بنای مذکور می‌توان به شیوه ساخت آن به سبک مساجد کوشکی اشاره نمود که با آجرتراش و گچ‌بری‌های بسیار نفیس و زیبا تزیین شده است. پژوهشگران بر این باورند که مسجد حیدریه در واقع مسجد جامع اصحاب ابوحنیفه بوده و محل آمدوشد افرادی چون حمدالله مستوفی و امام رافعی باشد (محمدزاده، ۱۳۸۵: ۲۹۶).

مسجد سنجدیه: موقعیت آن در محله راهری قزوین و متعلق به دوره سلجوقی است و مساحتی بالغ بر ۱۹۵ مترمربع را در بر گرفته است. از جمله ویژگی‌های بارز آن، تزیینات بسیار زیبایی مقرنس در گنبد مسجد و نقاشی‌های نفیس روی آن است (همان: ۳۰۵).

دوره صفوی

در دوره صفوی گروه جدیدی از مساجد سلطانی با عنوان مساجد شاهی با حفظ ویژگی‌های مساجد جامع، از نظر ساختاری ظهور نموده‌اند. سازندگان این مساجد، مرکز ثقل امور دینی را از مساجد جامع به چنین مساجدی منتقل نمودند، چراکه در این دوره شرایط سیاسی موجود در دنیای اسلام بسیار مهم بوده است (زارعی، ۱۳۹۷: ۱۹۵). پس از ساخت این مساجد، مرکز توجه جامعه به سوی آن‌ها متمرکز شد و مساجد جامع انحصار خویش را از دست دادند (ملکی، ۱۳۸۱: ۱۱۱). از نمونه‌های این مساجد در شهر قزوین می‌توان به مسجد پنجه‌علی اشاره نمود.

مسجد پنجه‌علی: موقعیت این مسجد در خیابان پیغمبریه شهر قزوین قرار دارد. بانی آن شاه طهماسب صفوی بوده که مسجد مذکور را با مساحت ۳۸۱ مترمربع و با رعایت ویژگی‌های مساجد سبک شبستانی بنا نهاده است. مسجد پنجه‌علی به دلیل حضور سنگی مرمرین که نقش پنجه‌ای بزرگ همراه با تزیینات سنگ مرمر در ازاره‌ها و کاشی‌کاری زیبا در اطراف آن هست، بدین نام شهره شده است (محمدزاده، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

دوره قاجار

ساخت مساجد سلطانی یا شاهی در دوره قاجار، به‌ویژه در دوران حکومت فتح‌علی‌شاه قاجار توسعه و گسترش یافت. از ویژگی‌های بارز این مساجد، ورودی‌های سه‌گانه اصلی آن بود که در این دوره مورد توجه فراوان سازندگان قرار داشت. همچنین، در این دوران مساجد سلطانی جایگزین مساجد جامع شهر می‌شود و همه کارکردهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی مسجد جامع به مسجد سلطانی انتقال می‌یابد (زارعی، ۱۳۹۷: ۱۹۷). از مساجد این دوره در شهر قزوین می‌توان به هفت مورد اشاره نمود:

مسجد النبی: این مسجد در خیابان امام قزوین قرار دارد و احداث آن مربوط به سال ۱۲۰۲ ه.ق. به مساحت ۱۴۰۳۸ مترمربع و بانی آن فتحعلی‌شاه قاجار است. از ویژگی‌های مسجد النبی نخست باید به چهار ایوانی بودن آن اشاره کرد. این مسجد که یکی از بزرگ‌ترین مساجد کشور به شمار می‌آید، با تزیینات رسمی‌بندی، کاشی‌کاری، معرق‌کاری و هفت‌رنگ مقرنس معماری ایرانی - اسلامی را به زیبایی پیش روی بیننده قرار می‌دهد (محمدزاده، ۱۳۸۵: ۲۸۶).

مسجد خواجه شهدا: این مسجد زیبا که در خیابان بلاغی قزوین جای دارد، مربوط به دوره قاجار است. مساحت آن حدود ۳۲۰ مترمربع و با تمامی ویژگی‌های یک مسجد شبستانی است که به تزیینات کاشی‌کاری و رسمی‌بندی مزین شده است (همان: ۲۸۹).

مسجد راه‌چمان: این مسجد در خیابان تهران قدیم قزوین قرار دارد و مربوط به دوره قاجار است که با مساحت ۱۷۴ مترمربع با تمامی مؤلفه‌های یک مسجد شبستانی با تزیینات زیبای کاشی‌کاری و رسمی‌بندی خودنمایی می‌کند (همان: ۳۰۱).

مسجد سبز: موقعیت قرارگیری این مسجد در خیابان مولوی قزوین است. ساخت بنا مربوط به سال ۱۲۶۳ ه.ق. است و معمار آن حاج یوسف قزوینی بود که با مساحت ۱۷۵ مترمربع به سبک شبستانی و با تزیینات کاشی‌کاری و رسمی‌بندی، این مسجد زیبای قاجاری را احداث نمود (همان: ۳۰۳).

مسجد شهید ثالث: موقعیت آن در خیابان مولوی قزوین و مربوط به دوره قاجار است. بانی آن حاج ملا تقی برغانی است که در مساحت حدود ۱۱۶ مترمربع و با رعایت تمامی شاخصه‌های سبک با تزیینات زیبای کاشی آن را احداث

نمود. مسجد شهید ثالث در واقع محل شهادت حاج ملا تقی برغانی نیز هست (همان: ۳۰۷).

مسجد محمدیه: موقعیت قرارگیری آن در گذر محمدیه شهر قزوین است که با مساحت ۵۷۳ مترمربع به سبک زیبای شبستانی و با تزیینات کاشی‌کاری احداث شده است (همان: ۳۰۹).

مسجد احمدیه: محل دفن عارف نامدار ایرانی، شیخ احمد غزالی است که پس از سال‌ها اقامت در قزوین به سال ۵۲۰ ه.ق. درگذشت. این مسجد که در خیابان سپه این شهر قرار دارد، در دوره قاجار بر شالوده‌ای صفوی که در حقیقت بنای آرامگاه و خانقاه شیخ بود، احداث شده است. بانی آن مجدالاسلام حاج ابوتراب بوده و تاریخ بنای آن طبق کتیبه موجود در گنبد، به سال ۱۳۲۸ ه.ق. بازمی‌گردد. مصالح به‌کاررفته در مسجد احمدیه از آجر و ملات گچ و ساروج بوده و با تزییناتی ارسی، کاشی‌کاری و رسمی‌بندی مزین شده است (همان: ۱۹۷).

سیر تحولات کالبدی مساجد قزوین

به‌طور کلی سیر تحولات مساجد تاریخی در شهر قزوین از نظر ساختار کارکردی و کالبدی در چهار دوره مورد پژوهش (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) به‌تلیخیص در جدول شماره ۲ ذکر شده است.

نسبت فضای باز و بسته در بررسی نمونه‌های مطالعاتی (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) قزوین

فضای باز در مساجد فضایی است که پوشش سقف ندارد و اگر جداره داشته باشد، از همه جهات این فضاها را مسدود

جدول ۲. ساختارهای کارکردی - کالبدی مساجد قزوین در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار

ارتباط هماهنگ با طبیعت	تقدس فضایی	نقش اجتماعی و فرهنگی
به‌واسطه درون‌گرایی	امنیت	
قابلیت تبدیل به چنین فضایی به‌دلیل چندکارکردی بودن مساجد	مراسم و جشن	نقش محیطی و اقلیمی
ایجاد فضای خنک همراه با سایه به‌واسطه شبستان، ایوان و ایوانچه	ایجاد سایه	
به‌واسطه صحن (حیاط)، ایوان و ایوانچه	نورگیری	نقش کالبدی و ساخت
به‌واسطه درون‌گرایی و ارتباط نداشتن با فضاهای باز بیرون	جلوگیری از باد مزاحم	
ایجاد ارتباط و ارتباطات تعریف‌شده و حفظ حریم فضاها	سلسله‌مراتب فضایی	نقش کالبدی و ساخت
به‌عنوان فضای واسط و ارتباط‌دهنده با سایر فضاها	ارتباط‌دهنده فضایی	
سازماندهی فضاهای اصلی در جهت محور و تنوع فضایی	محوربندی	
نقش‌های متعدد به‌عنوان عنصر فرازمانی و فضایی	انعطاف‌پذیری	

گشایش، سبکی و شفافیت در دو دوره مذکور به‌وضوح قابل مشاهده است، اما در دوره‌های سلجوقی و صفوی فضاها کاملاً بسته و گنبدخانه‌ای هستند و فضای باز و صحن وجود ندارد. این در حالی است که در مساجد مورد بحث این دو دوره (سلجوقی و صفوی) نسبت فضای باز در مقایسه با مساجد دو دوره اسلام و قاجار کمترین نسبت را دارند و فضای بسته شبستان در نمونه‌های دوره سلجوقی و صفوی قابل رؤیت هستند. جدول شماره ۳ به‌وضوح نسبت پر و خالی در مساجد چهار دوره مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

نمی‌کند. فضاهای باز مساجد با نام‌های «حیاط، صحن و میانسرا» عمدتاً جزئی از فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی محسوب می‌شوند. در کنار آن، فضای بسته در مساجد، فضایی احاطه شده و دارای سقف مانند شبستان است؛ فضایی که محدودیتی ندارد و هر کجای مسجد که نیاز به بسته شدن داشته باشد، طراحی یا الحاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که در نمونه‌های مورد مطالعه در دوره‌های اوایل اسلام و قاجار، مساجد تقریباً به نسبت مساوی دارای فضای باز و بسته بوده‌اند. به‌طور کلی

جدول ۳. نسبت پر و خالی در مساجد چهار دوره مورد مطالعه (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار)

نام مسجد	پلان	درصد فضاها	نام مسجد	پلان	درصد فضاها
مسجد جامع دوره اسلام		بسته: ۴۰٪	مسجد حیدریه دوره سلجوقی		بسته: ۹۰٪
مسجد سنجیده دوره سلجوقی		بسته: ۹۰٪	مسجد پنجه‌علی دوره صفوی		بسته: ۹۷٪
مسجد النبی دوره قاجار		بسته: ۵۰٪	مسجد خواجه شهدا دوره قاجار		بسته: ۹۰٪
مسجد راه‌چمان دوره قاجار		بسته: ۹۶٪	مسجد سبز دوره قاجار		بسته: ۹۵٪
مسجد شهید ثالث دوره قاجار		بسته: ۵۸٪	مسجد محمدیه دوره قاجار		بسته: ۲۸٪
مسجد احمدیه دوره قاجار		بسته: ۷۹٪			

الگوی فضای باز و بسته در بررسی نمونه‌های مطالعاتی (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) قزوین

حیاط و صحن مساجدی که فرم آن‌ها به صورت مربع و مستطیل است، شامل فضای باز بوده و فضای آزاد و نیایشی را در ابتدای ورود به مسجد ایجاد می‌کند (میردانش، ۱۳۸۸):

(۱۱۴). ورودی، فضایی است که ارتباط فضای بیرون با درون بنا را برقرار می‌کند و ایوان از طاقی تشکیل شده که یک طرف آن باز است. ایوان‌ها در اطراف صحن یا حیاط مساجد قرار دارند. فضای بسته شامل سقف و کف (ایوان) و فضای نیمه پوشیده شامل کف، دیوار و سقف (ایوانچه) در مسجد می‌شود. در نمونه‌های مورد پژوهش در جدول شماره ۴ دو گروه فضای

جدول ۴. الگوی فضای باز و بسته در مساجد دوره‌های تاریخی در اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار شهر قزوین

نام مسجد	پلان	درصد فضاها	نام مسجد	پلان	درصد فضاها
مسجد جامع دوره اسلام		باز: ۵۰٪ بسته: ۱۰٪	مسجد حیدریه دوره سلجوقی		باز: ۸٪ بسته: ۲٪
مسجد سنجیده دوره سلجوقی		باز: ۱۰٪ بسته: ۱۰٪	مسجد پنجه‌علی دوره صفوی		باز: ۰٪ بسته: ۳٪
مسجد النبی دوره قاجار		باز: ۴۰٪ بسته: ۱۰٪	مسجد خواجه شهدا دوره قاجار		باز: ۶٪ بسته: ۴٪
مسجد راه‌چمان دوره قاجار		باز: ۰٪ بسته: ۴٪	مسجد سبز دوره قاجار		باز: ۰٪ بسته: ۵٪
مسجد شهید ثالث دوره قاجار		باز: ۴۰٪ بسته: ۲٪	مسجد محمدیه دوره قاجار		باز: ۷۰٪ بسته: ۲٪
مسجد احمدیه دوره قاجار		باز: ۲۰٪ بسته: ۱٪			

فضای باز فضای پوشیده

و نمای ایوان در دوره اوایل اسلامی با الگوی مربع مستطیل با اجزای کامل و در دوره سلجوقی ایوان مستطیل ساده و در دوره صفوی ایوان‌ها تغییر کالبد داده است و در دو طرف ایوان دو فضای راهرومانند شکل می‌گیرد. در دوره قاجار نیز ایوان‌ها وسیع‌تر می‌شوند و گشودگی فضایی در آن‌ها دیده می‌شود. جدول شماره ۵ سیر تحول و دگرگونی‌های کالبدی - فضایی اجزای مساجد از دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار در شهر قزوین را به تفصیل بیان می‌کند.

لازم به توضیح است که از نظر موقعیت و جهت قبله و دیگرام فضایی در دوره‌های مورد مطالعه (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) در تمامی مساجد سلسله‌مراتب حرکتی و محور فضایی رعایت شده است و در هفت مورد از آن‌ها (مسجد جامع، مسجد سنجدیه، مسجد پنجه‌علی، مسجد خواجه شهدا، مسجد راه‌چمان، مسجد سبز و مسجد احمدیه) ورودی‌ها در راستای قبله قرار ندارند و چهار مورد از مساجد (مسجد حیدریه، مسجد النبی، مسجد محمدیه و مسجد شهید ثالث) ورودی‌ها در راستای قبله قرار گرفته‌اند. این مورد در جدول شماره ۶ به خوبی قابل مشاهده است.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها (تفسیر داده‌ها و بحث)

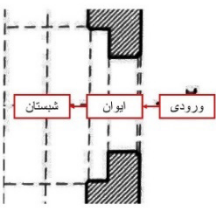
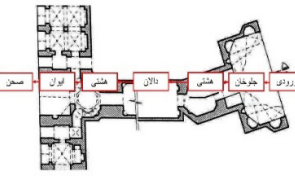
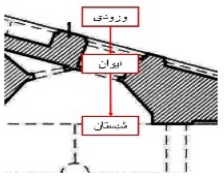
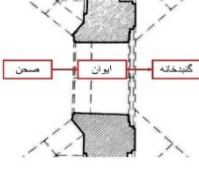
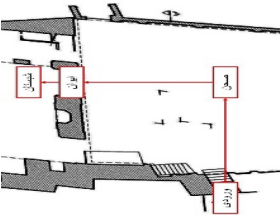
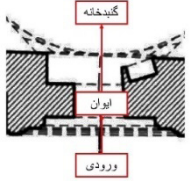
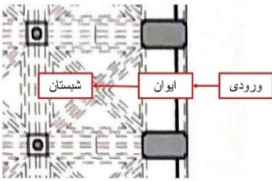
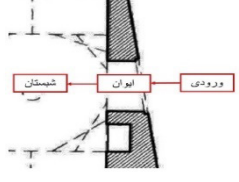
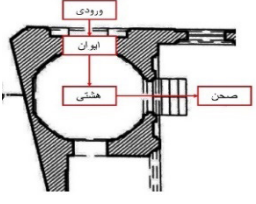
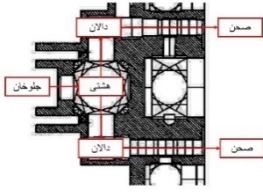

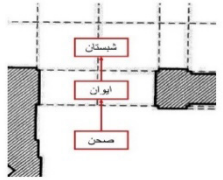
با بررسی‌های صورت گرفته در کالبد مساجد چهار دوره اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار، تأثیر سیاست‌های حکومتی، مذهبی و اجتماعی در تغییر و تحولات و سازماندهی فضایی این مساجد مشهود است. با تغییر رویکرد مذهبی در ادوار مورد مطالعه در قالب (۱) اسلام به عنوان مذهبی عام و بی‌پیرایه در اوایل اسلام، مساجد بزرگ و جامع با صحن به سبک چهارایوانی و شبستان‌های سرپوشیده و دارای فضای نیایشی به شکل محراب و گنبدخانه بوده‌اند؛ (۲) اسلام به عنوان رویکرد مذهبی تام و غالب در دوره سلجوقی که در این دوره در قیاس با دوره قبل ساده‌تر و شبستانی بوده و فضاهای پوشیده اهمیت بیشتری داشته‌اند و فاقد صحن و دارای فضای نیایش در گنبدخانه بوده‌اند؛ (۳) اسلام به عنوان مبنایی برای اندیشه و تفکر در کنار شالوده مذهبی در دوره صفویه که این دوره در ادامه دوره قبل شبستانی و فاقد حیاط و دارای فضای نیایش در شبستان بوده‌اند؛ (۴) اسلام به عنوان دینی همگانی و اجتماعی به همراه مجموعه‌ای از آیین‌های مذهبی در دوره قاجار، شکل‌ها و ساختارهای مساجد را نیز تابع تغییرات کرده است، تا آنجا که رویکردی عام و پذیرفته شده برای عموم مردم بود و رابطه بی‌پیرایه میان انسان و خدا را نمایش می‌داد. در این دوره (قاجار) مسجد تا حد امکان بزرگ و جامع و دارای شبستان‌های سرپوشیده متنوع برای

باز یا حیاط و فضای بسته مانند ایوان و ایوانچه را می‌توان مشاهده نمود. آنچه در معماری اکثر مساجد مورد مطالعه (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) در شهر قزوین دیده می‌شود، ایوان در جهت اصلی بنا قرار دارد، به طوری که در دوران اوایل اسلام، مسجد جامع از نوع «چهارایوانی» است و در دوره سلجوقی مسجد حیدریه «تک‌ایوانی» و در ضلع جنوبی آن است. تنها مسجد سنجدیه (مربوط به دوره سلجوقی) است که از دو ضلع مشرف به گذر بوده و در هر ضلع دارای سه راه ارتباطی ورودی و ایوان است. در دوره صفوی نیز مسجد نمونه (مسجد پنجه‌علی) دارای دو ورودی و «فاقد ایوان و حیاط» است، اما مساجد دوره قاجار از نوع «چهارایوانی» و اکثر آن‌ها دارای «ایوان و ایوانچه» هستند.

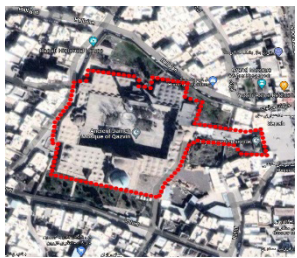
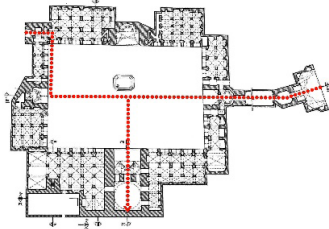


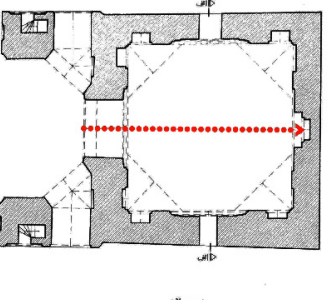
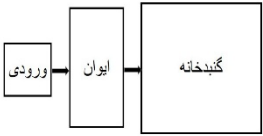

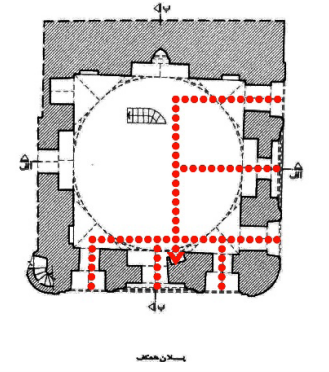
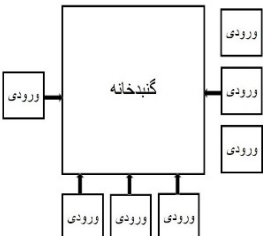
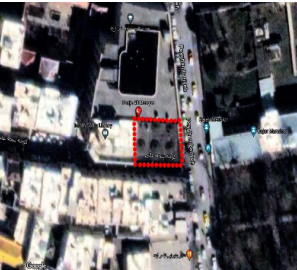
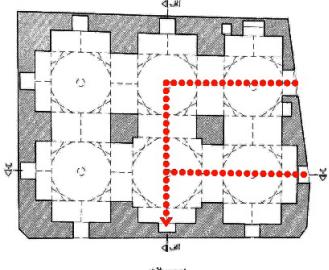
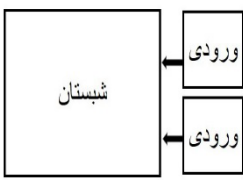
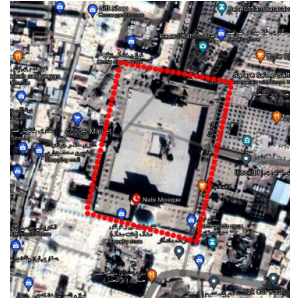
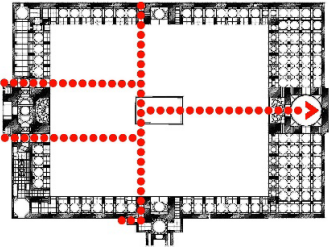
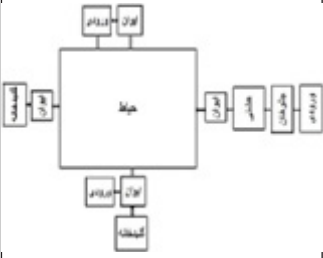
روند تحول سازماندهی فضایی مساجد مورد مطالعه (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) در قزوین

یکی از موضوعات مهم در شناخت روش کاربردی برای دست پیدا کردن به کالبد فضایی و سازماندهی فضایی، گونه‌شناسی است که نقش مهم و بسزایی در معماری دارد و در طول تاریخ در انطباق با بسترهای متفاوت تشکیل می‌شود. با استناد به سیر تحول مساجد در این پژوهش، اجزای کالبدی و سازماندهی، سلسله‌مراتب حرکتی و فضایی مساجد مانند ورودی، ایوان، میانسرا، صحن، شبستان و ... در دوره‌های تاریخی اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار شهر قزوین دستخوش دگرگونی‌هایی شده و خواسته یا ناخواسته روند تکاملی را طی می‌نماید، به طوری که الگوی ورودی، ایوان، ایوانچه، فضای نیایشی و میانسرا در دوره اسلامی ترکیبی از «سردر، جلوخان، دالان، هشتی، ایوان و صحن» است، در حالی که در دوره سلجوقی به شکل «سردر، ایوان و گنبدخانه» ایفای نقش می‌کند. همچنین، دوره صفوی ترکیبی از سردر و ایوان در نقش «شبستان» ایفای نقش می‌کند و در آخر دوره قاجار مساجد را در چهار الگو: (۱) دارای ورودی، ایوان و شبستان؛ (۲) دارای ورودی، صحن، ایوان و شبستان؛ (۳) دارای ورودی، ایوان، هشتی و صحن و (۴) ترکیبی از سردر، جلوخان، هشتی، دالان و صحن معرفی می‌کند. باید خاطر نشان کرد که صحن از شاخصه‌های بارز معماری مسجد در ادوار مختلف است که در ردای مربع یا مربع مستطیل به ایفای نقش می‌پردازد و نظام‌مندی کالبدی و سازماندهی فضاها را بر عهده دارد و معمولاً در یک، دو یا چهار سمت حیاط ایوانی جای گرفته است. در مساجد مورد مطالعه (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) صحن در دوره اوایل اسلام مسجد جامع با الگوی مربع مستطیل و در دوره قاجار مسجد النبی با الگوی مستطیل بوده است. همچنین، ایوان

جدول ۵. سیر تحول کالبدی - فضایی اجزای مساجد در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار قزوین

<p>مسجد راه چمان: قاجار در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، ایوان، شبستان و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>		<p>مسجد جامع: اسلام می‌توان گفت در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل جلوخان، هشتی، ایوان، میانسرا و همچنین سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>	
<p>مسجد سبز: قاجار در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، ایوان، شبستان و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>		<p>مسجد حیدریه: سلجوقی در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، ایوان، گنبدخانه و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>	
<p>مسجد ثالث: قاجار در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، میانسرا، ایوان، شبستان و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>		<p>مسجد سنجیده: سلجوقی در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، ایوان، گنبدخانه و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>	
<p>مسجد محمدیه: قاجار در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، ایوان، شبستان و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>		<p>مسجد پنجه‌علی: صفوی در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، ایوان، شبستان و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>	
<p>مسجد احمدیه: قاجار در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، ایوان، هشتی، دالان، شبستان و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>		<p>مسجد النبی: قاجار در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: جلوخان، دالان، هشتی، ایوان، میانسرا و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>	
<p>مسجد خواجه شهدا: قاجار در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، ایوان، دالان، شبستان و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>		<p>مسجد خواجه شهدا: قاجار در این مسجد سلسله‌مراتب حرکتی شامل: ورودی، ایوان، دالان، شبستان و سلسله‌مراتب فضایی در آن رعایت شده است.</p>	


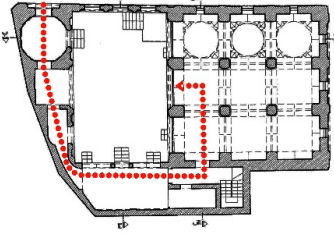
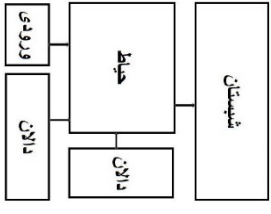
جدول ۶. تجزیه و تحلیل ساختاری مساجد مورد مطالعه در دوره های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار قزوین

نام مسجد	موقعیت مسجد در بافت شهر	تحلیل جهت قبله	دیاگرام فضایی
مسجد جامع دوره اوایل اسلام			
مسجد حیدریه دوره سلجوقی			
مسجد سنجیده دوره سلجوقی			
مسجد پنجه علی دوره صفوی			
مسجد النبی دوره قاجار			

ادامه جدول ۶. تجزیه و تحلیل ساختاری مساجد مورد مطالعه در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار قزوین

نام مسجد	موقعیت مسجد در بافت شهر	تحلیل جهت قبله	دیاگرام فضایی
مسجد خواجه شهیدا دوره قاجار			
مسجد راه چمان دوره قاجار			
مسجد سبز دوره قاجار			
مسجد شهید ثالث دوره قاجار			
مسجد محمدیه دوره قاجار			

ادامه جدول ۶. تجزیه و تحلیل ساختاری مساجد مورد مطالعه در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار قزوین

نام مسجد	موقعیت مسجد در بافت شهر	تحلیل جهت قبله	دیاگرام فضایی
مسجد احمدیه دوره قاجار			

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

محدوده مسجد  جهت قبله 

۱۰۵

در دوره‌های مورد مطالعه (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که سیر تحول مساجد مورد پژوهش در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار شهر تاریخی قزوین، بیان‌کننده اشتراکات و تمایزات مختلف و دگرسانی در چگونگی سازماندهی فضایی و نحوه ارتباط فضای نیایشی و شیوه‌های تعریف فضا (باز و بسته) در الگوی فضایی این مساجد از منظر کالبدی، عملکردی و ادراکی در هر دوره است. جدول شماره ۸ به تحلیل این مهم می‌پردازد.

جا دادن به عموم نمازگزاران ساخته شده بود، اما در دوره سلجوقی که عملاً اسلام به‌عنوان دینی تام و اصلی تثبیت شده است، با بهره‌گیری از الگوی چهارطاقی و گنبد و دور از میل به ایجاد مساجد بزرگ به شکل‌های ساده در ساخت مسجد اکتفا کردند. این روند در دوره صفوی نیز ادامه پیدا کرد، اما در دوره قاجار با ایجاد رویکردی همگانی نسبت به دین و آیین‌های پیرامون آن، لزوم مساجد با حیاط‌های بزرگ مرکزی یا پیرامونی احساس شد، در نتیجه در کنار مساجد کوچک مساجدی با صحن‌های باز نیز توسعه پیدا کردند. در این راستا، جدول شماره ۷ بررسی و تحلیل اجزای مساجد

جدول ۷. بررسی و تحلیل اجزای مساجد در دوره‌های اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار قزوین

مؤلفه	مساجد اسلام	مساجد سلجوقی	مساجد صفوی	مساجد قاجار
رویکرد	مذهبی - اجتماعی	کاملاً مذهبی	مذهبی - اجتماعی - حکومتی	مذهبی - آئینی - رسانه‌ای - اجتماعی
شکل‌دهی	تا حد امکان بزرگ و جامع و دارای چهار ایوان و شبستان‌های سرپوشیده و متنوع	ساده و شبستانی	شبستان با شکل و ظاهر دوره قبل ادامه دارد	مساجد با حیاط‌های بزرگ مرکزی، پیرامونی، شبستان و رواق دارای چهار ایوان و صحن‌های باز
ورودی	دارای ورودی‌های متعدد	دارای ورودی‌های متعدد و ایوان	دارای دو ورودی و ایوان	دارای ورودی‌های متعدد
حیاط	دارای اهمیت با کیفیت فضایی	فضای سرپوشیده مهم‌تر و فاقد حیاط	فضای پوشیده مهم‌تر و فاقد حیاط	حیاط دارای اهمیت با کیفیت فضایی
فضای نیایش	ایوان، مقصوره، گنبدخانه، شبستان	گنبدخانه، شبستان	شبستان	ایوان، مقصوره، شبستان، گنبدخانه

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

جدول ۸. تحلیل الگوی فضایی مساجد مورد مطالعه (اوایل اسلام، سلجوقی، صفوی و قاجار) قزوین از منظر کالبدی، کارکردی و رفتاری

ادراکی	عملکردی		معماری			ویژگیها						مسجد	
	ار تباط و دسترس سبها	نحوه قرار گیری عناصر فضایی - کارکردی	تعداد حیاط	هندسه پلان	پلان	کتیبه	ایوان	گنبدخانه	شبستان	صحن	هشتی		ورودی
درون‌گرایی - برون‌گرایی	جلوخان دالان هشتی شبستان	چند محوری	۱	مربع مستطیل	نامتقارن	*	*	*	*	*	*	*	جامع
درون‌گرا	ایوان	تک محوری	-	مستطیل	مقارن	*	*	*	-	-	-	*	حیدریه
درون‌گرا	گنبدخانه	دو محوری	-	مربع	مقارن	*	-	*	-	-	-	*	سنجیده
درون‌گرا	شبستان	دو محوری	-	مستطیل	نامتقارن	-	-	*	*	-	-	*	پنج‌علی
درون‌گرا - برون‌گرا	جلوخان هشتی دالان ایوان	دو محوری	۱	مستطیل	نامتقارن	*	*	*	*	*	*	*	نی
درون‌گرا - برون‌گرا	شبستان دالان حیاط	چند محوری	۱	مستطیل	نامتقارن	*	-	-	*	*	-	*	شهید ثالث
درون‌گرا	ایوان دالان	دو محوری	-	مربع	نامتقارن	*	*	*	*	-	-	*	خواجه شهدا
درون‌گرا	شبستان	دو محوری	-	مربع	مقارن	*	-	*	*	-	-	*	راه جهان
درون‌گرا	شبستان	چند محوری	-	مربع	نامتقارن	*	-	*	*	-	-	*	سبز
درون‌گرا - برون‌گرا	صحن و شبستان	دو محوری	۱	مستطیل	مقارن	-	-	*	*	*	-	*	محمدیه
درون‌گرا - برون‌گرا	هشتی	دو محوری	۱	مستطیل	نامتقارن	*	-	*	*	*	*	*	احمدیه

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

نتیجه‌گیری

با بررسی و سنجش پلان‌ها، جداول مربوط به فضاهای پر و خالی، نسبت‌های آن‌ها و نیز تجزیه و تحلیل داده‌های ساختاری مساجد چهار دوره اوایل اسلام، سلجوقی، صفویه و قاجار در شهر قزوین، به نتایج ملموس زیر دست پیدا می‌کنیم: (۱) عدم برخورداری فضاهای بسته پیرامون فضای باز از هندسه کامل نشانه تکامل تدریجی و نه یک‌باره مسجد جامع مربوط به اوایل اسلام است، اما از سوی دیگر، مسجدالنبی بنا شده در دوره قاجار، دارای

طرحی دقیق و کاملاً هندسی است که نشان می‌دهد سلسله‌مراتب فضایی آن تحت قواعد واضح و مطابق با الگوی مشخص از پیش برنامه‌ریزی، طراحی و ساخته شده است. (۲) هرچند در مسجد جامع اوایل اسلام عدم کشیدگی حیاط (فضای باز) به سمت قبله را مشاهده می‌کنیم، اما با تکامل ساختاری مساجد به مسجدالنبی مربوط به دوره قاجار می‌رسیم که کشیدگی فضای باز در جهت قبله برای هدایت دید و توجه بیشتر به آن سوی (قبله) رعایت شده است. (۳) در اکثر مساجد مذکور با توجه به ورودی‌های متعدد از جوانب، کماکان مشکل جهت‌یابی واضح قبله براساس قدرت و جهت ورودی‌ها وجود دارد. (هرچند به گفته پیرنیا «عمده این مساجد با عریض نمودن رواق مرکزی منتهی به محراب، بر جهت قبله تأکید کرده‌اند.» (معماریان، ۱۳۹۲: ۳۷)) (۴) استفاده از گنبدخانه مرکزی (الگوی چهارطاقی گنبددار) به‌عنوان قلب مسجد، هرچند در دو مسجد سنجدیه و حیدریه دوره سلجوقی به‌وضوح دیده می‌شوند، اما این راهکار معمارانه به همان دوره محدود نشده و قرن‌ها بعد برای ساماندهی فضایی در مساجد راه‌چمان و سبز دوره قاجار نیز به کار گرفته شده است. (۵) بررسی اشتراکات و تمایزات گونه‌های متفاوت بیان‌کننده تفاوت در اشکال گونه‌ها بوده و از نظر وجوه اشتراک و تمایز از لحاظ معماری در مساجد این چهار دوره، دو نمونه چهارایوانی، هفت نمونه شبستانی و دو نمونه کوشکی (گنبدخانه) دیده می‌شود. (۶) نحوه فضایی در مسجد جامع و مسجدالنبی، عناصر فضایی در چهار جهت پیرامون صحن است. مسجد جامع قزوین در واقع الهام‌گرفته از بنای اولیه مسجدالنبی در مدینه بوده و در گذر زمان گسترش پیدا می‌کند. (۷) بهره‌گیری از صحن به‌عنوان دسترسی اصلی در مساجد جامع قزوین، مسجدالنبی، محمدیه، احمدیه و شهید ثالث دیده می‌شوند. مساجد راه‌چمان، سنجدیه، سبز، حیدریه، پنجه‌علی درون‌گرا هستند و مساجد محمدیه، شهید ثالث، احمدیه، جامع و نبی ترکیبی از برون‌گرایی - درون‌گرایی را دارند.

پی‌نوشت

3. Typology
4. Type
5. Genotype

منابع و مآخذ

- پارسیان خمیری، رضا؛ رجبعلی، حسن و رونده، محمدرضا (۱۳۹۶). گونه‌شناسی مساجد بلوچستان ایران از دوره قاجاریه تا معاصر. *مطالعات معماری ایران*، دوره ششم (۱۱)، ۲۰۵-۱۸۹.
- پیرنیا، محمدکریم و معماریان، غلامحسین (۱۳۹۷). *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تهران: گلجام.
- توکلین، زهرا (۱۳۹۴). بررسی چگونگی انتظام شبستان در مساجد تاریخی شیراز. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، دوره سوم (۳)، ۱۰۳-۸۹.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۵). *خانه فرهنگ طبیعت*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حسین بانک، محمد (۱۴۰۱). "شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی مسجد با تأکید بر الگوی رفتاری (نمونه موردی: مسجد ولیعصر (معاصر) و مسجد امام خمینی (سنتی) در تهران". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد معماری، دانشگاه پیام‌نور تهران شرق، تهران.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۹۸). *هنر و معماری ایران و جهان، از کهن‌ترین زمان تا عصر حاضر*. تهران: مارلیک.
- حمزه‌نژاد، مهدی و عربی، مائده (۱۳۹۳). بررسی اصالت اسلامی - ایرانی در مساجد نوگرای معاصر (مطالعه موردی: طرح مسجد چهارراه ولی عصر (عج) تهران). *مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، دوره اول (۱۵)، ۶۱-۴۲.
- حیاتی، حامد و بهداروند، مهسا (۱۴۰۱). بررسی تحول سازماندهی فضایی در مدارس دوره اسلامی. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، دوره دهم (۳۴)، ۱۲۶-۱۰۱.
- حیدری، علی‌اکبر؛ تقی‌پور، ملیحه و عماد، فاطمه (۱۴۰۱). مقایسه تطبیقی مساجد سبک‌های مختلف معماری ایرانی اسلامی بر مبنای مفهوم سلسله‌مراتب. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، دوره دهم (۳)، ۶۸-۴۲.

- خادم‌زاده، محمدحسن؛ معماریان، غلامحسین و صلواتی، کامیار (۱۳۹۶). گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران. *مطالعات معماری ایران*، دوره اول (۱۱)، ۱۰۳-۱۲۴.
- دباغیان، روحا و فاتحی، فائزه (۱۳۹۶). هویت اسلامی مساجد در معماری معاصر. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین*، تهران.
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۹۹). *سیری تاریخی در هنر و معماری مساجد ایران و جهان*. تهران: انتشارات ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد کشور.
- زارعی موینی، سکینه و زارعی، محمدابراهیم (۱۳۹۷). معماری مسجد، کتیبه‌نگاری و آرایه‌های دوره قاجار با تأکید بر مسجدالنبی قزوین. *هنرهای حوزه کاسپین*، دوره اول (۱۱)، ۱۸۷-۲۰۲.
- سلمان، امیر؛ رحیمی، محمدحسین و خاک‌زند، مهدی (۱۳۹۴). بررسی اهمیت، اولویت و اصالت فضای باز در مسجد. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، دوره سوم (۹)، ۳۴-۴۹.
- طاهری، محمدمهدی؛ مظاهریان، حامد و خاقانی، سعید (۱۳۹۷). گونه‌شناسی ایوان محور مسجدهای تاریخی ایران. *صفه*، دوره ۲۸ (۸۲)، ۱۱۳-۱۲۵.
- طباطبایی، ملک (۱۳۹۰). *مبانی نظری معماری*. تهران: فاطمی.
- عسگری، زهرا و چارئی، عبدالرضا (۱۳۹۹). مطالعه ساختار و تزیینات مسجد مدرسه حیدریه در دوره سلجوقی. *شباک*، دوره ششم (۳)، ۸۹-۱۰۰.
- فریدونی، زینب (۱۳۹۸). *جایگاه مسجد در فقه امامیه*. تهران: روزآموز.
- فهندژ سعدی، محمدسعید (۱۳۹۹). بازشناسی الگوی معماری مسجد. *معماری‌شناسی*، دوره سوم (۱۵)، ۸-۱.
- فینستر، باربارا (۱۳۹۲). *مساجد اولیه ایران از آغاز تا حکومت سلجوقیان*. ترجمه فرامز نجدسمیعی، تهران: پازینه.
- لنگ، جان (۱۳۹۵). *آفرینش نظریه‌های معماری و نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدزاده، محمدنادر (۱۳۸۵). *یادگار ماندگار نقشه بناهای تاریخی استان قزوین*. اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین، قزوین.
- مرادزاده، سام و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۹۷). مطالعه‌ای در معماری مساجد ایران برای الگویابی معماری مساجد بوشهر در دوره قاجار. *هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، دوره ۲۳ (۲)، ۸۷-۹۸.
- معماریان، غلامحسین و طبرسا، محمدعلی (۱۳۹۲). گونه و گونه‌شناسی معماری. *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، دوره اول (۶)، ۱۰۲-۱۱۴.
- معماریان، غلامحسین و دهقانی تفتی، محسن (۱۳۹۷). در جستجوی معنایی نو برای مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: خانه گونه تالاردار شهر تفت). *مسکن و محیط روستا*، ۳۷ (۱۶۲)، ۳۸-۲۱.
- معماریان، غلامحسین؛ غفاری، عباس و قلی‌زاده، فرزانه (۱۳۹۶). تحلیلی بر پارامترهای گونه‌بندی مساجد تاریخی شهر تبریز. *فیروزه اسلام*، دوره سوم (۱)، ۴۳-۶۴.
- ملکی، سعدی (۱۳۸۱). *هنر و معماری قاجار مساجد جامع قزوین*. کتاب ماه هنر، دوره اول (۴۵)، ۱۱۷-۱۱۰.
- موسوی، سیده مهسا و حمزه‌نژاد، مهدی (۱۳۹۸). گونه‌شناسی مساجد سنتی خراسان (شمالی، رضوی، جنوبی) بر مبنای فضای باز و نیمه‌باز. *پژوهش‌نامه خراسان بزرگ*، دوره دهم (۳۶)، ۱۸-۱.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ قاسم‌پور آبادی، محمدحسین و محمدلوی شبستری، آیسا (۱۳۹۲). گونه‌شناسی مسجد مدرسه‌های دوره قاجار. *مطالعات ایرانی اسلامی*، دوره اول (۱۱)، ۱۵-۵.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ مشایخی، محمد و بهرامی، منیره (۱۳۹۳). الگوی طراحی مسجد در معماری مسجد. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، دوره دوم (۴)، ۱۵-۱.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ عظمتی، حمیدرضا؛ صادقی حبیب‌آباد، علی (۱۳۹۸ الف). اولویت‌بندی و تفحصی بر اصول و ارزش‌های معماری ایرانی دوره اسلامی، مبتنی بر تجلی معنا در عناصر کالبدی معماری (با استعانت از آیه ۲۳ سوره مبارکه حشر). *پژوهش‌های معماری اسلامی*، دوره هفتم (۲)، ۶۸-۵۰.

- _____ (۱۳۹۸ ب). تبیین راهبردی مؤلفه‌های حس معنوی در معماری مساجد ایران. *مطالعات ملی، دوره بیستم (۲)، ۹۴-۷۷.*
- میردانش، سید مهدی (۱۳۸۸). *آشنایی با بناهای تاریخی.* تهران: چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- نجفی، زهرا (۱۳۹۶). "گونه‌شناسی مسجدهای شیراز از دوره صفویان تا قاجار". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۴). *هنر و معنویت اسلامی.* تهران: گیسوم.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی و سعادت‌جو، پریا (۱۳۹۲). *تحلیلی بر سیر تحول مفاهیم و الگوی کالبدی مساجد در دوره‌های چهارگانه معماری ایرانی.* *مطالعات شهرهای ایرانی/اسلامی، دوره اول (۱۲)، ۲۹-۱۵.*
- هیلن برند، رابرت (۱۳۹۳). *معماری اسلامی، شکل، کارکرد و معنی.* ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.
- Deming, M & Swafeld, S. (2015). **Landscape Architecture Research: Inquiry, Strategy, Design.** Hoboken, N.J: Wily.
- Memarian, G. H., Brown, f. e. (2000). **the shared characteristics of Iranian and arab courtyard houses.** first international arab courtyard houses, Homs university (Syria) and huddersfield university of u,k (2), 33-51.
- Rapaport, Amos (1990). **vernacular, architecture, inturan M.** (eds); current challendes in the environmental social sciences, Avebury, Aldershot, England.



Received: 2023/03/05

Accepted: 2024/01/21

Evolution of the Physical, Functional and Perceptual Space in the Historical Mosques of Qazvin (Early Islamic, Seljuk, Safavid and Qajar periods)

Hamed Haity* Niki Nikkhahan**

7

Abstract

The history of the creation of mosques is synonymous with the history of the emergence of Islam and its expansion, which has been subject to the development and influence of this sacred building in different societies. Undoubtedly, throughout history, the combination of mosques with techniques, cultures and rich attitudes of various societies makes its architecture a symbol of Islamic architecture in such a way that it can be claimed that the transformation in other Islamic buildings has started following the development of the architecture of mosques. Here, the main question is whether in the present study, considering the importance of the architecture of the mosques of the historical city of Qazvin, both in terms of physical characteristics and in terms of historical transformations, is possible to achieve rules and frameworks that result in the evolution of the spatial types of mosques in this city from the point of view of physical aspects, functional aspects, and perceptual aspects. Based on this, it includes factors such as the understanding of chastity and how to construct and pay attention to the concepts obtained in the samples studied in the early Islamic, Seljuk, Safavid and Qajar schools of the historical city of Qazvin. The research method in the prospective research is qualitative, which is written in a combined form with interpretive-historical and descriptive-analytical methods, and the data collection is based on field studies and documents. In fact, this research rereads the course of evolution in 11 established and valuable species in the mentioned periods in Qazvin city, and how spatial organization and the way prayer space is connected and the ways of defining open and closed space in the spatial pattern of these mosques from a physical, functional and perceptual point of view. The results of the data analysis show the evolution of the mosques under investigation in the above periods in the historical city of Qazvin, expressing different commonalities and differences in the way of spatial organization and the way of communicating the prayer space and the ways of defining open and closed space in the spatial pattern of this area which can be seen in every era.

Keywords: typology, mosque, space organization, spatial transformation, physical system, Qazvin

*Assistant Professor, Department of Architecture, Technical and Engineering Faculty, University of Qom.

Hamedhayaty@yahoo.com

** PhD student in architecture, Islamic Azad University, Ahvaz branch, Ahvaz.

Nikinikkhahan@yahoo.com